

مسئولیت بین‌المللی دولت‌های صادرکننده تسلیحات متعارف در پیشگیری از جرایم بین‌المللی از منظر معاهده تجارت تسلیحات و نظام مسئولیت بین‌المللی

محمد فتاحی الکوئی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵

لیلا رئیسی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶

مسعود راعی<sup>۳</sup>

### چکیده

تجارت بین‌المللی تسلیحات یک تجارت راهبردی و بسیار مهم در دنیای کنونی به شمار می‌رود. زیرا در اختیار داشتن تسلیحات قدرتمند همواره یکی از اهداف دولت‌ها و گروه‌های مسلح و شبه نظامی می‌باشد که این موضوع خود باعث به وجود آمدن بازارهای پرسود خرید و فروش تسلیحات گردیده است. موضوع تجارت تسلیحات با صلح و امنیت بین‌المللی رابطه غیرقابل انکاری دارد. به همین جهت نظام‌مند نمودن آن از قرن ۱۹ مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ بعنوان جامع‌ترین سند مربوط به تجارت تسلیحات می‌باشد که ضابطه‌مند نمودن تجارت تسلیحات متعارف و نقش و مسئولیت دولت‌ها را هدف اصلی خود قرار داده است. جلوگیری از دستیابی دولت‌های ناقص قواعد بین‌المللی و گروه‌های سازمان یافته مجرمانه و شبه نظامی به سلاح به میزانی قابل توجهی از توانایی آن‌ها در ارتکاب جرایم بین‌المللی می‌کاهد و خود نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان یافته و تروریستی محسوب می‌شود. این معاهده، به منظور کنترل تجارت تسلیحات، برای جلوگیری از انحراف آنها به سمت بازارهای غیرقانونی و ارتکاب جرایم بین‌المللی، تعهداتی را بر اعضا تحمیل نموده است که تعهد دولت‌ها به همکاری در اجرای این تعهدات از جمله آن‌هاست. نظام مسئولیت نیز قواعد مهمی در ارتباط با کمک و مساعدت به دولت‌های ناقص حقوق بین‌الملل در بر دارد که امکان طرح موضوع مسئولیت بین‌المللی را برای آن‌ها مدنظر داشته است.

واژگان کلیدی: تجارت تسلیحات، معاهده تجارت تسلیحات، مسئولیت بین‌المللی، جرائم بین‌المللی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

mohammad.fattahi.alkouhi@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

raisi.leila@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

masoudraei@yahoo.com

جرائم بین‌المللی همواره تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر و بشردوستانه محسوب می‌شوند. عامل بنیادین آغاز، گسترش و شدت این جرائم دسترسی به تسلیحات می‌باشد. در دسترس بودن آسان تسلیحات برای گروه‌های شبه نظامی، تروریستی و سازمان یافته خود به خود باعث تسهیل ارتکاب جرائم بین‌المللی می‌گردد. این گروه‌ها حاضرند برای دسترسی به سلاح هزینه گزافی پردازند که این موضوع سالهاست پدیده قاچاق تسلیحات که خود نوعی جرم بین‌المللی به شمار می‌رود را در پی داشته باشد. البته نمی‌توان از نقش برخی دولت‌های تولید کننده تسلیحات به صورت پنهانی در این امر چشم‌پوشی نمود. نظام‌مند نمودن فرآیند تولید، صادرات و استفاده از تسلیحات از ۱۸۶۴ و اعلامیه سن پترزبورگ مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت و تا تصویب و لازم‌الاجرا شدن معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ ادامه داشته است. از آنجا که ارتکاب جرائم بین‌المللی باعث خدشه به صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد، سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت در این زمینه نقش کلیدی داشته است که بخش مهمی از قواعد مربوط به تجارت اسلحه را قطعنامه‌های شورای امنیت به خود اختصاص می‌دهد. قواعد عام حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از ابتدای کاربرد تسلیحات گرم در مخاصمات مسلحانه بر نامشروع بودن سلاح‌های کشتار جمعی در راستای حفظ جان افراد به ویژه غیرنظامیان تاکید نمود و این قبیل تسلیحات را نامتعارف نامیدند ولی آمارهای مختلف بیانگر تعداد تلفات بالای سلاح‌های اصطلاحاً متعارف می‌باشد که گاهی تا ۶۰۰ هزار نفر در سال نیز بیان می‌شود این درحالی است که کل تلفات بمب‌های هسته‌ای استفاده شده توسط ایالات متحده آمریکا علیه ژاپن ۲۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. همه این مسائل باعث توجه هر چه بیشتر به تسلیحات متعارف شده است و برقراری یک نظام کنترل بین‌المللی بر این تسلیحات را ضروری می‌دارد. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱ بر عدم کمک و حمایت آگاهانه از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و عدم شناسایی موقعیت و وضعیتی که به واسطه نقض جدی حقوق بین‌الملل ایجاد شده و تعهد مبنی بر عدم کمک یا حمایت در حفظ و تداوم این وضعیت غیرقانونی تاکید می‌کند. همچنین خود معاهده تجارت تسلیحات تعهداتی را در رابطه با نظارت و کنترل صادرات تسلیحات وضع نموده است که هدف نهایی آن علی‌رغم به رسمیت شناختن تجارت تسلیحات متعارف عدم دسترسی و استفاده از این تسلیحات در جرائم بین‌المللی می‌باشد.

### تجارت تسلیحات متعارف

تجارت تسلیحات یکی از پر سودترین معاملات در سراسر جهان به شمار می‌رود که درآمد سرشاری را برای کشورهای تولید کننده و صادر کننده تسلیحات به همراه دارد. رشد فزاینده درخواست برای سلاح در میان کشورهای مختلف به دلایل داخلی و بین‌المللی در دهه‌های گذشته باعث گسترش تولید تسلیحات از سوی کشورهای تولید کننده شده است. ضرورت کنترل و محدودسازی فروش تسلیحات متعارف با هدف افزایش امنیت انسانی و کاهش تبعات غیرانسانی تسلیحات بر غیرنظامیان یکی از مهمترین مباحث بین‌المللی در دهه‌های اخیر بوده است. البته پیشینه تلاش‌ها در جهت نظام‌مند نمودن تولید و تجارت تسلیحات به نیمه دوم قرن ۱۹ برمی‌گردد که در نهایت به تصویب معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ ختم گردید. البته در این بین اسناد و اقدامات متعددی مانند تصویب کنوانسیون ممنوعیت برخی سلاح‌های غیرانسانی در سال ۱۹۸۰ و ایجاد سازوکاری در سازمان ملل متحد تحت عنوان «دفتر ثبت تسلیحات متعارف

ملل متحد» صورت پذیرفت گرچه تاثیر ملموسی در این زمینه نداشت، اما بعنوان گام‌های موثری در این راه به شمار می‌روند. به دلایل مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی از جمله ترجیح دولت‌های اصلی تولید کننده تسلیحات متعارف مبنی بر اجتناب از قالب‌بندی یک تعریف و تقسیم‌بندی دقیق در مورد تسلیحات متعارف، تعریف عام معاهداتی بین-المللی در مورد تسلیحات متعارف وجود ندارد. این عدم تعریف معاهداتی موجب شده است که در دکترین حقوقی تعاریف مختلفی برای تسلیحات متعارف پیشنهاد شود از جمله اینکه برخی آن را تسلیحاتی دانسته‌اند که آثار آن محدود به میدان جنگ و زمان جنگ بوده و تنها نظامیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۲: ۹). برخی نیز تسلیحات متعارف را تسلیحاتی دانسته‌اند که کاربرد آن، شمار بسیار زیادی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد نمی‌آورد. از آن رو اینگونه تسلیحات را تسلیحات متعارف خوانده‌اند که از یک سو، نظام‌های دفاعی جهان با آن آشنا تر بوده‌اند و از سوی دیگر اگرچه تحولات عمده‌ای در پیشینه تولید و توسعه تسلیحات متعارف به وجود آمده است اما به لحاظ تاریخی و فرهنگی مردم با آن تسلیحات آشنا تر بوده و تفاوت‌های عمده‌ای در ماهیت آن‌ها ایجاد نشده است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۷).

### تقسیم‌بندی انواع تسلیحات متعارف

تسلیحات متعارف را می‌توان بر مبنای شدت تأثیرگذاری، انسان‌های به کارگیرنده و تلفات موجود در مخاصمات مسلحانه به انواع مختلفی تقسیم نمود اما در اینجا بر اساس طرح ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد، تسلیحات متعارف را بر مبنای: قابلیت حمل آن‌ها به سه بخش تقسیم می‌نماییم.

- ❖ تسلیحات متعارف سنگین مانند تانک‌های جنگی، هواپیماها و بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی
- ❖ تسلیحات متعارف سبک مانند سلاح‌های ضدتانک قابل حمل، سلاح‌های دارای تفنگ کمتر از ۷۲ میلیمتر، سلاح‌های ماشینی جنگی سنگین، مسلسل‌های سنگین، نارنجک اندازه‌های دستی، ضد هوایی‌های قابل حمل و موشک اندازه‌های قابل حمل
- ❖ تسلیحات متعارف کوچک مانند تسلیحات تک تیرانداز، تفنگ‌های خودکار، شش لول و لوله کوتاه

اگرچه تعریف بین‌الملل مدون و دقیقی در مورد هیچ یک از تسلیحات متعارف سنگین، سبک و کوچک وجود ندارد اما در دکترین حقوقی تعاریفی برای آن‌ها ارائه شده است. تسلیحات متعارف سنگین، تسلیحاتی هستند که توسط یک مجموعه گسترده و سازمان یافته از افراد اعم از نیروهای نظامی یا شبه نظامی یا هر گروه دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تسلیحات متعارف سبک، تسلیحاتی هستند که برای استفاده به وسیله دو یا چند نفر طراحی شده‌اند که به عنوان خدمه خدمت کنند. اگرچه بعضی از آن‌ها ممکن است توسط یک نفر حمل، یا از آن استفاده شود (فن تیگر اشتروم، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

مقررات معاهده تجارت تسلیحات و پیشگیری از جرایم بین‌المللی

معاهده تجارت تسلیحات مقرراتی را با هدف نظارت و کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات وضع نموده است تا از انحراف تسلیحات مشمول معاهده به سمت بازارهای غیرقانونی یا اصطلاحاً بازار سیاه و در دسترس گروه‌های مجرمانه سازمان یافته و گروه‌های شبه‌نظامی جلوگیری مؤثر به عمل آورد. به نظر می‌رسد، با توجه به لازم‌الاجرا شدن معاهده، دولت‌هایی که به عضویت این معاهد درآمده‌اند از دو جهت به اجرای تعهدات خود در این معاهد متعهدند؛ یکی از جهت پذیرش و عضویت در معاهده تجارت تسلیحات و دیگری از جهت تعهد به پیشگیری از جرایم بین‌المللی و همکاری با سایر دولت‌ها به منظور مقابله با این جرایم، در مقابل، رفتار برخلاف تعهدات مندرج در معاهده، علاوه بر اینکه نقض آن محسوب می‌شود، ممکن است نقض تعهد دولت‌ها در پیشگیری و همکاری در مبارز با جرایم بین‌المللی نیز تلقی شود (Maslen et al., 2013: 32). استانداردهای معاهده در دو بخش اجرای عمومی یا کلی و مقررات اختصاصی تنظیم گردیده است. اجرای کلی معاهده اشاره به زمینه‌ای دارد که معاهده در بستر آن اجرا خواهد شد و نهاد یا نظام کنترل ملی گفته می‌شود. نهادی که هرگونه نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات را در قلمروی حاکمیتی دولت متبوع خود کنترل می‌کند و صدور مجوزهای واردات، صادرات، ترانزیت، دلالتی محموله‌های تسلیحاتی، ثبت آن‌ها، و رایه گزارش به دبیرخانه معاهده تجارت تسلیحات را برعهده دارد. معاهده در ماده ۵، ضمن اینکه به اجرای غیرتبعیض‌آمیز معاهده از سوی کشورهای عضو تأکید می‌کند، دولت‌ها را مکلف به استقرار فرآیندی می‌کند که از طریق آن سایر ضوابط معاهده به اجرا گذاشته شود. مطابق ماده ۵ نهاد یا نظام کنترل موظف به تهیه لیست کنترل ملی، نقطه تماس ملی و رایه گزارش‌های سالیانه مطابق ماده ۱۳ است. شاید نتوان استقرار نهاد یا نظامی دقیقاً مطابق آنچه معاهده در نظر دارد را معیاری جهت تشخیص عملکرد دولت در زمینه تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی قلمداد کرد؛ اما قطعاً وجود نظارت و کنترل‌های مؤثر در مبادی و مرزهای کشورها حداقل اقدام مراقبتی و کنترلی است که دولت‌ها به منظور جلوگیری از نقل و انتقال مواد و کالاها و اقلام خطرناک، نظیر مواد هسته‌ای و تسلیحات، باید انجام دهند (Maslen et al., 2013: 27). مطابق بند ۱ ماده ۵ معاهده ATT دولت‌های عضو ملزم به اجرای این معاهده در وضعیتی مطلوب، هدفمند و بدون هرگونه تبعیضی، با یادآوری اصول مربوط به این معاهده و همین اصول مندرج در این بند کمک می‌کند تا معاهده بطور موثرتری اجرایی شود. در اینجا نکته‌ای که قابل توجه است خطاب این بخش به همه دولت‌های جهان است، از آنجایی که امر کنترل تسلیحات و ایجاد نظام‌های کنترل ملی بطور مستقیم بر روی صلح و امنیت جهانی مؤثر است، پس همه دولت‌های جهان موظف به اجرای آن هستند. به نوعی این یک قاعده عام‌الشمول است برای تسهیل اجرای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، دولت‌ها اقدام به طراحی نظام‌های کنترل تسلیحات بنمایند و از تجارت با حکومت‌هایی که احتمال نقض حقوق در آن‌ها می‌رود، خودداری نمایند. بنابراین، دولتی که کنترل و نظارت مؤثر در این خصوص اعمال نکند، در واقع، با ترک فعل خود، ممکن است موجب تسهیل در قاچاق تسلیحات و همچنین جرایمی گردد که با توسل به آن‌ها ارتکاب می‌یابند. بنابراین، صرف نظر از نوع عملکرد نهاد کنترلی، وجود نظارت و کنترل تا حدودی به تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی جامه عمل خواهد پوشاند. البته نظام کنترلی که معاهده تجارت تسلیحات در نظر گرفته، منصرف از نظارت اطلاعی و تشریفاتی است. اصولاً بر اساس معاهده بدون یک سازوکار مؤثر و شفاف امکان کنترل و ساماندهی نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات میسر نیست و قطعاً نظارت اطلاعی چنین هدفی را محقق نخواهد کرد، بلکه برعکس کنترل و نظارت دولت‌ها بایستی از قابلیت ممنوع و یا محدود کردن انتقال نیز برخوردار باشد.

### معیارهای معاهده تجارت تسلیحات برای ارزیابی مسئولیت احتمالی دولت‌های صادر کننده تسلیحات

با توجه به اینکه امر کنترل تسلیحات و ایجاد نظام‌های کنترل ملی بطور مستقیم بر روی صلح و امنیت جهانی موثر است، پس همه دولت‌های جهان موظف به اجرای آن هستند. به نوعی این یک قاعده عام‌الشمول است برای تسهیل اجرای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، دولت‌ها اقدام به طراحی نظام‌های کنترل تسلیحات بنمایند و از تجارت با حکومت‌هایی که احتمال نقض حقوق در آن‌ها می‌رود، خودداری نمایند. بر اساس ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات ممنوعیت‌های خاصی وضع شده است که در صورت احراز آن‌ها از سوی دولت صادر کننده مجوز صادرات تسلیحات نباید صادر شود. در واقع، در معاهده اصل بر مجاز بودن صدور مجوز صادرات تسلیحات متعارف است؛ مگر در مواردی که در معاهده به صراحت ذکر شده باشد. بند ۱ ماده ۶ به تحریم‌های نظامی وضع شده از سوی شورای امنیت اشاره می‌کند (حکیمی‌ها، ۱۰۱۴: ۱۳۹۵). بر این اساس، دولت‌ها، ضمن الزام به رعایت مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت، چنانچه بعد از ارزیابی‌های صورت گرفته احراز کنند که تسلیحات به نفع یا مقصد هر یک از کشورهای تحت تحریم انتقال داده خواهد شد، نباید مجوز صادرات را صادر کنند. اقدام خلاف این بند از ماده ۶ نقض تعهد دولت‌ها مطابق ماده ۲۵ منشور ملل متحد و بند ۱ ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات است. اما اینکه صدور مجوز انتقال تسلیحات به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم شورای امنیت تا چه اندازه نقض تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی محسوب می‌شود قابل تأمل است (ساعد، ۱۳۸۳: ۸۱). شورای امنیت نهادی ماهیتاً سیاسی است و هرچند مکلف به انجام دادن وظایف خود طبق منشور ملل متحد می‌باشد، بارها منافع سیاسی اعضا بر مقاصد ملل متحد ترجیح داده شده است. ازین رو، نمی‌توان تصمیمات شورا، به ویژه قطعنامه‌های صادره را مطلقاً در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و عاری از منافع سیاسی اعضا دانست به ویژه اینکه بزرگترین تولید کنندگان و صادرکنندگان تسلیحات جهان اعضای دائم شورای امنیت می‌باشند. در واقع این خود دولت‌های امضاکننده سند نهایی کنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسکو بودند که چنین اختیارات وسیعی را به شورای امنیت اعطا کرده‌اند و از منظر حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت تصمیمات شورا هستند (De Hoogh, 1996: 179). نقش شورای امنیت ملل متحد در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف بیشتر در قالب اعمال تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی بر علیه دولت‌ها نمایان شده است که از جمله آن می‌توان به اعمال تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) یا اعمال تحریم‌های تسلیحاتی علیه لیبی در سال ۲۰۱۱ در قالب قطعنامه‌های ۱۹۷۰ (۲۰۱۱) و ۱۹۷۳ (۲۰۱۱) اشاره نمود.

### اقدامات شورای امنیت ملل متحد در زمینه تنظیم کاربرد تسلیحات متعارف

کارکرد اصلی شورای امنیت بر اساس منشور ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و در این راستا برخلاف سایر ارکان سازمان ملل متحد که دارای محدودیت‌هایی در عملکرد خود هستند، قابلیت انجام کلیه اعمال برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که با مفاد منشور و قواعد بین‌المللی منطبق باشد را دارد. جدا از حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کارکردهای دیگری نیز در منشور ملل متحد از جمله حل و فصل اختلافات بین‌المللی و هم‌چنین کنترل و خلع تسلیحات برعهده شورای امنیت گذاشته شده است. توجه شورای امنیت به تنظیم بکارگیری تسلیحات متعارف را به صورت کلی باید در دو عرصه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تنظیم بکارگیری تسلیحات در چهارچوب اختیارات

کنترل و خلع تسلیحات آن بر اساس منشور ملل متحد دید. در مورد اول یعنی توجه شورای امنیت به مساله تنظیم کاربرد تسلیحات متعارف از منظر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمدتاً از طریق فصل هفتم منشور و از طریق اعمال مواد ۴۰ تا ۴۲ منشور ملل متحد انجام می‌پذیرد. در این راستا می‌توان سه دسته از اقدامات اجرایی (ماده ۴۰)، تحریم‌های بین‌المللی (ماده ۴۱) و کاربرد نیروی نظامی (ماده ۴۲) را در زمینه تنظیم بکارگیری تسلیحات متعارف توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد از هم باز شناخت. در زمینه دوم یعنی توجه شورای امنیت به تنظیم بکارگیری تسلیحات متعارف از منظر اختیارات کنترل و تسلیحات متعارف، عموماً شورای امنیت به مرکزی برای مذاکرات بین‌المللی طولانی در این راستا تبدیل شده است (Pierre, 1997). در کنار ماده ۱۱ منشور ملل متحد که در آن از اختیارات مجمع عمومی در زمینه تنظیم کاربرد تسلیحات متعارف سخن به میان آمده است، می‌توان به ماده ۲۶ همان سند در زمینه اختیارات شورای امنیت توجه نمود: «به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وسیله به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است تا به کمک ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷، طرح‌هایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم نماید». اقدامات شورای امنیت در راستای تنظیم بکارگیری تسلیحات متعارف را می‌توان در دو دسته اقدامات مستقیم و غیرمستقیم قرار داد. در زمینه اقدامات مستقیم، عملکرد شورای امنیت در زمینه تنظیم بکارگیری تسلیحات متعارف محدود است. کما اینکه تنها قطعنامه‌ای که به صورت اختصاصی به مسئله تنظیم کاربرد تسلیحات متعارف بوده است، قطعنامه ۲۱۱۷ در سال ۲۰۱۳ بود که شورای امنیت برای نخستین بار مقوله تسلیحات کوچک و سبک را مورد توجه خاص قرار داد. از نظر شورای امنیت، گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان و کودکان بیشتر تحت تاثیر کاربرد غیرقانونی تسلیحات متعارف هستند از جمله در قطعنامه ۱۳۲۵ ارجاع به زنان، صلح و امنیت که در اکتبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید بیان داشته است که کاربرد غیرمتناسب تسلیحات متعارف، سهم حضور اجتماعی زنان در عملیاتی مانند پیشگیری از مخاصمات، حفظ صلح و ... را کاهش می‌دهد. با این حال این انتقاد نیز به شورای امنیت وارد می‌باشد که تنها به کارگیری، ذخیره و انتقال تسلیحات کشتار جمعی توسط گروه‌های تروریستی را مشمول تعقیب‌های بین‌المللی خود بر مبنای قطعنامه ۱۵۴۰ دانسته و در این زمینه صحبتی از تسلیحات متعارف نشده است (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

#### بند اول: اعمال تحریم‌های تسلیحاتی و تاثیر آن بر تجارت تسلیحات متعارف

اعمال تحریم‌های تسلیحاتی از سوی شورای امنیت ملل متحد هم یکی از کارکردهای آن در زمینه تجارت تسلیحات متعارف تلقی می‌گردد. بایستی خاطر نشان ساخت که بر مبنای میثاق جامعه ملل برخلاف منشور ملل متحد، تعهد دول عضو در برخی از شرایط برای اعمال تحریم‌های تسلیحاتی به گونه‌ای قاعده‌مند شده بود که هر دولتی ممکن بود به صورت مستقل و فردی با دولت متخلف برخورد نماید (Hiscocks, 1974: 36). به همین دلیل اعضاء می‌توانستند جدا از تحریم‌های تسلیحاتی شورای جامعه ملل اقدام به تحریم‌های تسلیحاتی یک جانبه نمایند. ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد که به ترتیب به اقداماتی که مستلزم توسل به زور و اقداماتی که متوسل به اقدامات نظامی بر علیه یک کشور نیستند، می‌پردازند (Post, 1994: 71).

### ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات متعارف

بند ۲ ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات بر ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات در مواردی اشاره دارد که این مجوز برخلاف تعهدات دولت‌ها بر اساس معاهدات نقل و انتقال تسلیحات متعارف باشد. از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بسیار مهم، که معاهده به آن اشاره کرده است، می‌توان به برنامه اقدام ملل متحد برای پیشگیری و مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیرقانونی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک در همه جنبه‌های آن (۲۰۰۱)، پروتکل جلوگیری از تولید غیر قانونی و قاچاق تسلیحات سبک و کوچک (۲۰۰۵)، کنوانسیون مبارز با جرایم سازمان‌یافته فراملی، و سند بین‌المللی به منظور توانمندسازی کشورها برای شناسایی و ردیابی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک غیرقانونی اشاره کرد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۷). بنابراین، عمل به تعهد مبارزه با تولید و نقل و انتقال بین‌المللی غیرمجاز تسلیحات متعارف و به ویژه تسلیحات سبک و کوچک بخشی از تعهد دولتها در پیشگیری از جرایم بین‌المللی و همچنین تعهد به همکاری در مبارزه با جرایم بین‌المللی قلمداد می‌شود (De Hoogh, 1996: 183).

### نقش نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در ممنوعیت صادرات تسلیحات متعارف

بر اساس بند ۲ ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات، در صورتی که بعد از ارزیابی احتمال استفاده از تسلیحات برای نقض شدید حقوق بشر وجود داشته باشد، دولت صادر کننده موظف است مانع صادرات تسلیحات شود. اجماعی مبنی بر اینکه چه مواردی نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌شود وجود ندارد. به نظر می‌رسد عبارت شدید حاکی از شدت و بزرگی نقض یا زیر سوال بردن نوعی، از حقوق بشر باشد ظاهراً هر دو احتمال در این مورد درست می‌باشد لذا هر نقض حق حیات یا شکنجه ذاتاً شدید محسوب می‌شود؛ در حالی که انواع خاصی از سایر حقوق بشر باید به طور گسترده و مداوم نقض شوند تا نقض شدید حقوق بشر به حساب آیند. عدم اشاره به حق دفاع فردی هنگام بروز نقض شدید حقوق بشر با توسل به سلاح از دلایل مخالفت جمهوری اسلامی ایران با معاهده تجارت تسلیحات بود که در معاهد گنجانده نشد. هرچند سنگینی یکطرفه به نفع کشورهای صادرکننده در معاهده مشهود است و غالب این کشورها منافع مشترکی را دنبال می‌کنند، ظرفیت استفاده از این اختیارات وسیع از سوی کشورهای صادرکننده مستقل، به منظور حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، نیز وجود دارد. معاهده تجارت تسلیحات نیز مانند اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در ماده ۷ نه تنها ارتکاب و نقض شدید، بلکه تسهیل جرایم علیه حقوق بشر دوستانه از طریق مشارکت و مباشرت در صدور تسلیحات متعارف را ممنوع اعلام کرده است (De Hoogh, 1996: 125). در نتیجه، دولتی که بدون کنترل و ارزیابی اجازه صادرات محموله‌های تسلیحاتی را بدهد که در ارتکاب یا تسهیل جرایم بین‌المللی مؤثر واقع شده‌اند حتی بی‌آنکه قصد سوئی داشته باشند، تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی را نقض کرده است.

### ممنوعیت تجارت تسلیحات با گروه‌های مجرمانه سازمان یافته و تروریستی

هرچند قاچاق تسلیحات خود نوعی از جرایم سازمان یافته فراملی است، دسترسی گروه‌های مجرمانه به سلاح، احتمال و شدت ارتکاب سایر جرایم سازمان یافته، مانند قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و اعضای بدن و فروش زنان و

کودکان و ... را افزایش خواهد داد به همین دلیل، جلوگیری از دستیابی این گروه‌ها به سلاح به میزانی قابل توجهی از توانایی آن‌ها در ارتکاب جرایم بین‌المللی می‌کاهد و خود نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان یافته محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). بدیهی است کشورهای که با فعل یا ترک فعل خود در انتقال تسلیحات به آن‌ها مؤثر واقع می‌شوند، علاوه بر نقض تعهد بین‌المللی خود، حسب مورد، در جرایمی که گروه‌های تروریستی-تکفیری نظیر داعش، بوکوحرام و... مرتکب می‌شوند معاونت کرده‌اند و از این جهت مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قالب کنترل کلی و کنترل موثر مذکور قابل طرح خواهد بود. در ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات، صدور مجوز صادرات تسلیحاتی که احتمال ارتکاب اعمال تروریستی مصرح در کنوانسیون‌های سیزده گانهٔ مقابله با جرایم تروریستی، با استفاد از آن‌ها می‌رود ممنوع اعلام شده است. پاراگراف ۳ بند ب اعمالی را شامل می‌شود که با توسل به تسلیحات متعارف تأمین شده از سوی کشور صادرکننده صورت گرفته است. یکی از اسناد بسیار مهم در این خصوص کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی ۱۹۹۷ است (سیم‌بر، ۱۳۸۵: ۱۵۲). علاوه بر این، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، هواپیماربایی، دزدی دریایی، جنایت علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، قاچاق و اشاعهٔ مواد هسته‌ای و بمب‌گذاری تروریستی از جرایم مهم است که در کنوانسیون‌های ضد تروریسم به آن اشاره شده است. چنانچه بعد از این ارزیابی‌ها و توجه به اقدامات قابل دسترس کاهش دهندهٔ ریسک صادرات، دولت صادرکننده یقین یافت که خطر برجسته و مهمی بر پایهٔ تبعات منفی پاراگراف اول این ماده وجود دارد، نباید مجوز صادرات را صادر کند. متن پاراگراف اشاره دارد چنانچه خطر برجسته و قابل توجهی بر پایهٔ پیامدهای منفی ذکر شده وجود داشته باشد و اقدامات کاهنده نیز در کاهش این خطر یا تقویت صلح و امنیت مؤثر نباشد (Maslen et al., 2013:29)، مجوز صادرات نباید صادر گردد.

### تعهدات دولت‌ها نسبت به مقابله با جرایم تسلیحاتی

مواد ۱۵ و ۱۶ معاهده تجارت تسلیحات به تعهد به همکاری درخصوص مقابله با جرایم تسلیحاتی و متعاقب آن جلوگیری از وقوع سایر جرایم بین‌المللی اشاره دارد، همکاری مندرج در ماده ۱۵ صرفاً اختیاری نیست بلکه بند ۱ ماده ۱۵ دولت‌های عضو را ملزم به همکاری نموده است. در ماده ۱۶ نیز به لزوم تشکیل صندوق داوطلبانه و تشویق دولت‌ها به تأمین مالی آن و ارائهٔ مساعدت‌های لازم در جهت اجرای معاهده، از جمله کمک‌های فنی و لجستیکی، اشار کرده است. رعایت این الزام در واقع برای کشورهای در حال توسعه که مقصد اصلی تجارت تسلیحات محسوب می‌شوند با امکانات محدود مالی و فنی آسان به نظر می‌رسد. ولی کشورهای صادرکننده که عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته هستند، می‌توانند مساعدت‌های لازم را به این کشورها داشته باشند. علاوه بر تعیین حدود تعهد دولت‌ها در پیشگیری از قاچاق و انحراف تسلیحات، تعهد به همکاری در این خصوص را نیز با در نظر گرفتن ضوابطی بیش از پیشینیان خود، یعنی سند ردیابی و پروتکل سلاح‌های کوچک و سبک ۲۰۰۱، شفاف‌تر کرده است. این تبیین هم به شکل خاص و طی تکالیف الزام‌آور یا تشویق‌هایی نظیر تبادل اطلاعاتی و مساعدت‌های بین‌المللی مدنظر بوده و هم به شکل کلی در ماده ۱۵ بدان تأکید شده است (راجرز، ۲۰۱۳: ۱۲۳). علاوه بر آن، معاهدهٔ تجارت تسلیحات در دیباچهٔ خود صراحتاً به مسئولیت بین‌المللی همهٔ دولت‌ها مطابق تعهدات بین‌المللی‌شان مبنی بر وضع مقررات مؤثر تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن و همچنین مسئولیت ابتدایی همهٔ دولت‌ها در استقرار و ایراد نظام کنترل ملی اشاره



کرده است. بنابراین، چه دولت‌های عضو و چه دولت‌های غیرعضو نخست موظف به مقررات‌گذاری در زمینه تجارت تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن هستند، دوم اینکه در هر صورت مسئولیت ابتدایی استفاده از تسلیحات صادر شده در ارتکاب جرایم بین‌المللی بر عهده‌ی دولت صادرکننده و در مرحله بعد سایر مسببان است.

### مسئولیت بین‌المللی دولت‌های صادرکننده تسلیحات در پرتو نظام مسئولیت بین‌المللی

مطابق ماده ۲۷ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۸ «اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه که بین‌المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده، این کمک و مساعدت به خودی خود، از نظر بین‌المللی نادرست است ولو اینکه فی‌نفسه ناقض یک تعهد بین‌المللی نباشد». بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از این ماده، اقدام دولت ثالث نباید از محدوده کمک یا یاری فراتر برود، زیرا اگر اقدام یک دولت از این محدوده فراتر برود دیگر صرف کمک یا مساعدت مطرح نخواهد بود بلکه همراهی با یک عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی می‌گردد که می‌تواند همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین‌المللی نامشروع است باشد. بخش پایانی این ماده بر این موضوع تاکید می‌کند عملی که منجر به کمک و مساعدت می‌شود می‌تواند خود از نظر بین‌المللی مشروع باشد یا نباشد (توکلی طبسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). در طرح نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل، یعنی طرح مصوب سال ۲۰۰۱، موضوع مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت یا نهادهای غیردولتی، در مواد ۱۶ و ۴۱ اشاره شده است. مطابق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ که مهم‌ترین ماده در این خصوص است، «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد:

➤ آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند

➤ فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد

ماده ۱۶ وضعیتی را بیان می‌کند که در آن، دولتی به منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت می‌کند. چنین وضعیتی‌هایی هنگامی رخ می‌دهد که یک دولت به صورت ارادی در انجام رفتاری که ناقض تعهدات بین‌المللی دولت دیگر است او را کمک یا مساعدت می‌کند. برای مثال، آگاهانه تسلیحات و اقلام نظامی لازم را در اختیار او قرار داده یا فعالیت مورد بحث را تأمین مالی کند. به موجب ماده مزبور، کمک یا مساعدت دولت کمک‌کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر خلط شود. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده، تنها تا حدی که رفتار او موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۱۱۴). برای اینکه دولتی را بتوان به جهت کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول دانست، احراز سه عنصر لازم است. نخست اینکه دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده از اوضاع و احوال آن تخلف بین‌المللی آگاهی داشته باشد؛ دوم اینکه کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن تخلف بین‌المللی باشد و واقعاً هم ارتکاب عمل مربوط را تسهیل کند و سوم اینکه اگر دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده خودش هم عمل را انجام می‌داد عمل متخلفانه آن به حساب می‌آمد. شرط آگاهی دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده از شرایطی است که عمل متخلفانه بین‌المللی دولت را به دنبال دارد و موجب می‌شود تا هر کمک یا مساعدتی را نتوان موجب بار کردن مسئولیت قلمداد کرد. در مجموع می‌توان گفت که پیش‌نویس، در زمینه مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، مبین هیچ محدودیتی در

مورد محتوا و نوع مساعدت نیست. دیوان طی رسیدگی به قضیه اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی اعلام داشت که همکاری در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی همواره مستلزم آن است که برخی اقدامات مثبت برای ارائه کمک یا مساعدت به مرتکب نسل‌زدایی صورت گرفته باشد. ماده دیگری که در بحث مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت می‌توان به آن استناد نمود، بند ۲ ماده ۴۱ طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌هاست؛ البته این ماده مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک قاعده اتفاق افتاده و دولت‌های ثالث می‌بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک و مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند. طبق بند ۲ ماده ۴۱، هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ ایجاد شده است، قانونی محسوب کند و نباید هیچگونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد. نخستین تعهد مندرج در بند ۲ ماده ۴۱، به قدری مهم تلقی می‌شود که از آن به عنوان یک سلاح قانونی مهم در مقابله با نقض‌های جدی قواعد آمره و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل یاد می‌شود (Tomuschat, 1998: 253). نمونه‌ای از این نوع تعهدات، تعهد مربوط به عدم شناسایی اکتساب سرزمین از طریق توسل به زور یا کسب حاکمیت از طریق نقض حق تعیین سرنوشت یک ملت است. تعهد دوم موجود در بند ۲ ماده ۴۱ دولت‌ها را از ارائه کمک یا مساعدت در جهت حفظ وضعیت ایجاد شده به وسیله نقض‌ها باز می‌دارد. این مسئله فراتر از مسئله کمک یا مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مذکور در ماده ۱۶ است. بنابراین این ماده از خود ارتکاب نقض فراتر رفته و به حفظ وضعیت ناشی از آن نقض می‌پردازد، چه خود نقض ادامه‌دار باشد و چه اینگونه نباشد. بنابراین ماده ۴۲ به رفتاری نظر دارد که به دولت مسئول در حفظ وضعیتی کمک شود که آن نقض «یک قاعده آمره یا عام‌الشمول» بوده لذا مشروعیت آن به دلیل، وضعیت مغایرت با حقوق بین‌الملل پذیرفته نیست و این مسئولیت از سوی همگان قابل استناد است.

### بررسی معیار کنترل موثر در تجارت تسلیحات متعارف

یکی از معیارهای موجود در حقوق بین‌الملل برای انتساب اعمال گروه‌های شبه نظامی و تروریستی به دول حامی آن‌ها، ملاک کنترل موثر بر روی یک حمله خاص است. ملاک کنترل موثر نخستین بار توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در رای صادره در قضیه نیکاراگوئه در باب انتساب جنایات ارتكابی گروه شورشی کنترا به آمریکا علیه حکومت انقلابی سانديسيته‌ها در نیکاراگوئه، مورد پذیرش قرار گرفت. بر اساس رای صادره مزبور، دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه، معیار کنترل موثر را واجد سه شرط ذکر نموده است: ۱- گروه غیردولتی (از جمله تروریستی) بایستی کاملاً وابسته به دولت خارجی باشد. ۲- این وابستگی بایستی در تمامی زمینه‌های فعالیت آن گروه خاص قابل اعمال باشد. ۳- دولت خارجی می‌بایستی به صورت عینی از قابلیت کنترل که به صورت بالذات در آن وابستگی کامل وجود دارد استفاده کرده باشد؛ بدین معنا که عیناً به اعمال میزان بالایی از کنترل به صورت مشخص در هر عملیات جداگانه پرداخته باشد. بنابراین منظور از معیار کنترل موثر، تاسیس و سازماندهی گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی با اهداف مشترک و به همراه وجود روابط گسترده، مرتبط با هم و پیچیده سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، لجستیک از جمله آموزش نظامی و به ویژه فروش و تامین تسلیحات برای تروریست‌ها و گروه‌های شبه نظامی به صورتی که با قطع این روابط مخصوصاً معامله اسلحه با آن‌ها، ارتکاب اعمال تروریستی نیز کاهش یا متوقف می‌گردد؛ می‌باشد. این گروه‌ها از منابع درآمدی متنوعی از جمله قاچاق انسان، میراث فرهنگی، مواد مخدر، و حتی نفت و فلزات گران‌بها چون طلا و الماس برخوردارند (مافی و یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). دیوان از پارگراف ۳۷۷ تا ۴۱۵ رای سال ۲۰۰۷ در خصوص قضیه نسل‌کشی

صرب‌ها علیه مسلمانان بوسنی و در توضیح عوامل مختلف برای انتساب عمل شبه نظامیان صرب به دولت صربستان این دولت را از جهت ارتکاب عمل نسل‌کشی تبرئه کرد (راعی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). در معیار کنترل موثر، وابستگی کامل به معنای عدم هرگونه خودگردانی واقعی و تنها یک ابراز و نماینده سیاست‌های یک دولت خارجی بودن در عمل می‌باشد؛ بنابراین اینکه قسمت عمده از جمعیت یک سازمان تروریستی تابعیت یک کشور را داشته باشند یا وجود همکاری عمومی و سطح پایین یک دولت با یک گروه تروریستی به تنهایی، نمی‌تواند موجب انتساب وابستگی موثر آن اعمال به دولت مذکور تلقی گردد. همچنین، صدور بیانیه‌های رسمی تهنیت‌آمیز یا تاییدکننده از سوی یک دولت خارجی به دنبال یک عمل تخلف‌آمیز برای انتساب مسئولیت به دولت مزبور در معیار کنترل موثر کافی نمی‌باشد. در معیار کنترل موثر، ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی در زمان وابستگی کامل گروه تروریستی به دولت خارجی از اهمیت بنیادین برخوردار می‌باشد (ممتاز؛ رنجبریان، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸).

### بررسی معیار کنترل کلی در تجارت تسلیحات متعارف

به دنبال مشکلات عملی در اثبات ارتباط دقیق و موثر میان گروه‌های شبه نظامی و تروریستی با دول حامی بیگانه آنها به ویژه تامین کنندگان تسلیحات آنها، معیار کنترل کلی که بیانگر ارتباط نسبی، حداقلی و انعطاف پذیر این گروه‌ها با دول بیگانه به نسبت معیار کنترل موثر می‌باشد؛ برای نخستین بار در قضیه تادیچ در دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در ۱۵ جولای ۱۹۹۹ به دلیل ضرورت ماهیت داخلی یا بین‌المللی مخاصمات مسلحانه و تاثیر آن بر وضعیت اجرای قواعد بین‌الملل بشردوستانه مورد استناد قرار گرفت. در قضیه تادیچ، ارتش خودمختار صرب‌های بوسنی و هرزگوین با اشغال بوسنی و هرزگوین، جمهوری خودخوانده اسپراسکا را تشکیل داد که از سوی یوگسلاوی سابق مورد حمایت قرار می‌گرفت. این گروه دستورات خود را از ارتش یوگسلاوی سابق دریافت می‌نمود. همچنین، اعضای آن همگی اعضای سابق ارتش یوگسلاوی بوده؛ با این تفاوت که هیچ عضو غیرصرب در این گروه وجود نداشت و تمامی افراد صرب‌های بوسنی تبار بودند. تامین تجهیزات شامل تسلیحات سنگین و وسایل آنها و آموزش افراد عضو این گروه‌ها توسط ارتش یوگسلاوی سابق، آنها را تا حدود معقولی وابسته به یوگسلاوی سابق نموده بود (عسگری، ۱۳۸۸: ۱۵۵). پس از ارزیابی رای دیوان بین‌الملل دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، شعبه تجدیدنظر دیوان بین‌الملل کیفری برای یوگسلاوی سابق صراحتاً ملاک کنترل موثر را بر این اساس که با منطبق مسئولیت بین‌المللی دولت در تعارض است رد نموده و مقرر داشت: در حقوق بین‌الملل شرط انتساب اعمال اشخاص خصوصی به یک دولت آن است که آن اشخاص تحت کنترل دولت مزبور عمل کرده باشند. در عین حال میزان کنترل ممکن است با توجه به شرایط موضوعی هر مورد متفاوت باشد. شعبه تجدید نظر دلیلی نمی‌بیند که در هر شرایطی حقوق بین‌الملل مستلزم آستانه بالایی برای معیار کنترل باشد.

در واقع، قصد شعبه از اعمال این معیار نه احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، بلکه حمایت بیشتر از غیرمتحاربین در مخاصمات مسلحانه بود. بر طبق این رای، معیار مزبور بیانگر آن نبود که هر عملیات غیرقانونی یک گروه غیردولتی ضرورت داشته باشد تا به دولت حامی آن قابل انتساب باشد بلکه «مشارکت در برنامه ریزی و نظارت بر عملیات مداوم نظامی» برای اثبات کنترل دول حامی یک گروه غیردولتی کافی می‌باشد. همچنین در این معیار، نیاز به اثبات دستورات در هر عملیات جداگانه نبوده بلکه معیار کنترل کلی با اثبات دستورات در کل عملیات، احراز می‌گردد. در قضیه آکسوسکی، شعبه استیناف دیوان راجع به معنا و محدوده معیار کنترل کلی گفت: «معیار کنترل کلی حتی در صورتی

که نیروهای مسلحی که به نیابت از دولت کنترل کننده انجام وظیفه می‌نمایند از اختیارات خود مختارانه در ابزار و فنون نظامی برخوردار باشند اعمال می‌گردد اگرچه مشارکت در یک راهبرد مشترک با دولت کنترل کننده باید وجود داشته باشد». بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود از نظر دیوان وجود یک راهبرد مشترک به علاوه مشارکت معقول در برنامه‌ریزی و نظارت بر مجموع عملیات نظامی و نه یک عملیات جداگانه برای اعمال معیار کنترل کلی برای اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی (از جمله تروریستی) کافی می‌باشد. پس از صدور این رای، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی و هرزگوین در مقابل صربستان و مونته‌گرو در سال ۲۰۰۷ فرصت یافت تا بر ملاک کنترل موثر موجود در قضیه نیکاراگوئه تاکید ورزد. دیوان در سه بخش از رای نهایی خود به این موضوع اشاره نمود: ۱- ابتدا دیوان استدلال خواهان (بوسنی و هرزگوین) مبنی بر اینکه به دلیل ویژگی‌های خاص جنایت نسل‌کشی تنها ضرورت به اثبات این امر که مجموعه عملیات صورت گرفته تحت کنترل مستقیم مرتکبین نسل‌کشی صورت گرفته شود، کفایت می‌نماید را رد کرده و در مقابل بر ضرورت اعمال معیار کنترل موثر تاکید نمود. دومین بخش در آنجاست که دیوان ضمن بی‌فایده خواندن کنترل کلی بیان داشت که: «ماموریت دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تصمیم‌گیری در مورد مسایل مربوط به مسئولیت کیفری بین‌المللی و نه مسئولیت دولت‌ها می‌باشد و مسئولیت مورد نظر در این قضیه با مسئولیت ارتباط پیدا نمی‌کند؛ بلکه قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشکیل می‌دهند». سومین بخش، در جایی است که دیوان قیاس بین معیار کنترل کلی و موثر را یک قیاس مع‌الفارق دانسته است و بیان می‌نماید: معیار کنترل کلی، مانع بزرگ توسعه قلمرو مسئولیت بین‌المللی است که آشکارا فراتر از اصل بنیادین حاکم بر قاعده مسئولیت بین‌المللی است. یک دولت تنها برای اعمال خویش یعنی اعمال اشخاصی که از طرف وی عمل می‌نمایند، مسئول می‌باشد. در این قضیه، دیوان اظهار نمود که باید بین دو وضعیت مجزا یعنی «وابستگی کامل» که بر اساس نیروهای مسلح صرب می‌توانند به عنوان یک رکن غیررسمی جمهوری فدرال یوگسلاوی سابق شناخته شوند و کنترل یا نظارت دولت یوگسلاوی بر این نیروها تفاوت قایل شد. از نظر دیوان آنچه که باید مهم باشد، وابستگی کامل برای اثبات معیار کنترل موثر است. با این حال، دیوان در قضیه به تحولات حقوق بین‌الملل از جمله طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز اشاره می‌نماید. از جمله از نظر دیوان در اثبات انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت‌ها می‌توان حتی از ملاک مندرج در ماده ۴ که در مورد واحدهای دولتی است - در وضعیت‌های بسیار خاص استفاده کرد. بدین صورت که در وضعیتی که اشخاص یا گروه‌های غیردولتی از وضعیت حقوقی ارگان‌های دولتی برخوردار نبوده اما تحت صلاحیت مطلق آن دولت عمل می‌کنند به گونه‌ای که به عنوان یک واحد غیررسمی از آن دولت درآیند، می‌توان ماده ۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را برای اثبات انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دول حامی آن‌ها استفاده کرد. در کنار این امر، دیوان بدون پذیرش معیار دستورات خاص در ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی، آن را یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی می‌داند. مجموعه این تحولات نشانگر آن است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در اعمال معیار کنترل موثر طرز تلقی خود را به سمت معیار کنترل مندرج در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها معطوف داشته است (ابراهیم گل، ۶۷: ۱۳۹۱). امری که موجب می‌گردد که به ویژه در شرایط کنونی در باب اثبات انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دول حامی آن بیش از هر زمان دیگر به معیارهای مندرج در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها توجه نماییم.

معیار کنترل مندرج در ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل ملل متحد، کمیسیون برای نخستین بار با تفکیک مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال کنترل بر اعمال واحدهای دولتی با اشخاص خصوصی، هر یک را به ترتیب در دو ماده جداگانه ۴ و ۸ گنجانده است، به نحوی که در ماده ۴ معیار کنترل دولت بر واحدهای دولتی را معیار کنترل کامل دانسته بدین معنا که بر مبنای اصل وحدت دولت، فعل یا ترک فعل تمامی ارگان‌های دولتی در احراز مسئولیت بین‌المللی، فعل یا ترک فعل آن دولت تلقی می‌گردد و در این زمینه نمی‌توان قائل به استثناء بود؛ در حالی که ماده ۸ معیاری خاص و جدید نسبت به معیارهای کنترل کلی و موثر را مقرر می‌دارد (Crawford, 2002, p. 105). ماده ۸ مقرر می‌دارد: رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند. بر طبق این ماده، برای انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی از جمله تروریستی به دول حامی آن‌ها، اثبات یکی از سه وصف «دستورات»، «هدایت» و «کنترل» به صورت جداگانه برای احراز مسئولیت آن‌ها کفایت می‌کند (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۶۹). در نتیجه معیار موجود در این ماده حتی از معیار کنترل کلی که در رای دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ نیز پذیرفته است، پا را فراتر گذاشته و بدین سبب نیز انتساب اعمال افراد را آسان‌تر می‌نماید. با این حال، در تفسیر این ماده کمیسیون خاطر نشان ساخته است که هر وضعیتی را باید جداگانه مورد ارزیابی قرار داد و نمی‌توان یک حکم کلی راجع به تمامی قضایا صادر نمود.

### نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی بین‌المللی، ارتکاب اعمال متخلفانه‌ای که بیش از یک بازیگر در آن نقش دارند؛ افزایش یافته است. تسهیم مسئولیت بین‌المللی (مسئولیت اشتقاقی) حالتی را بیان می‌دارد که بیش از یک دولت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته‌اند، به بیان دیگر بیش از یک دولت مرتکب یک تخلف بین‌المللی شده باشند. در این میان، یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین اشکال تسهیم مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از کمک یا مساعدت به دولت دیگری است، برخلاف مباشرت که مستلزم دخالت و ارتکاب مستقیم فعل متخلفانه است، در معاونت به شکل کمک یا مساعدت، دولت متخلف صرفاً نقش حامی و پشتیبان را ایفا می‌نماید. تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف، یکی از موضوعات مبتلا به جامعه بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد تلقی می‌گردد که با گسترش مخاصمات داخلی، وقوع جرائم بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل و عملکرد بین‌المللی تروریسم رابطه مستقیم دارد. با توجه به تبعات قاچاق تسلیحات متعارف، این تجارت در جهان به یکی از مهم‌ترین مسایل اقتصادی، سیاسی و البته امنیتی تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر با رشد افراطی‌گری و ظهور گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی ابعاد این موضوع مهم در سطح جهانی به حد نگران‌کننده‌ای رسیده به طوری که سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با برگزاری کنفرانس‌های متعدد توجه کشورهای جهان را به این موضوع جلب نماید و در نهایت نیز سازمان ملل متحد چهار سند بین‌المللی (پروتکل سوم، سند برنامه اقدام، سند توانمندسازی دولت‌ها و معاهده تجارت تسلیحات) برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق تسلیحات تنظیم و تدوین نموده است. معاهده تجارت تسلیحات گامی مهم و رو به جلو در امر کنترل واردات، صادرات و نقل و انتقالات تسلیحات متعارف در جهان بشمار می‌رود. با توجه به درج ملاحظات حقوق بشری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌های بین‌المللی و برخی جرائم بین‌المللی مانند ژنوساید، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی به عنوان مبنای صدور مجوز صادرات تسلیحات به سایر کشورها قرار گرفته است. حقوق

مسئولیت بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، محدودیت‌های مشابهی را بر تجارت تسلیحات اعمال می‌کنند و در نتیجه از این منظر، مقررات معاهده تجارت تسلیحات به هیچ رو بدعت حقوقی جدیدی محسوب نمی‌شوند. در سطح سازمان ملل متحد نیز در حال حاضر سه سیستم نظارتی بر تجارت تسلیحات متعارف وجود دارد که عبارت‌اند از نظام ملل متحد برای ارائه گزارش استاندارد شده از هزینه‌های نظامی، طرح ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد و برنامه اقدام سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیرقانونی در تسلیحات کوچک و سلاح‌های سبک در سال ۲۰۰۱، اما به طور کلی تا رسیدن به وضعیتی که موضوع تجارت تسلیحات از چنان نظام‌مندی و شفافیتی برخوردار باشد که از رسیدن تسلیحات به اهداف نامشروع از جمله گروه‌های تروریستی ممانعت شود راه درازی در پیش است زیرا منافع سرشار مالی حاصل از این تجارت پرسود در شاخص‌های اقتصادی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده تسلیحات مانند نرخ اشتغال و بیکاری از اهمیت دوچندان برخوردار است. تا جایی که کارتل‌های بزرگ تسلیحات در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشورها از نقش آفرینی موثری برخوردارند.

## منابع فارسی

- ۱- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۳) مسئولیت بین المللی دولت، شهر دانش
- ۲- تدینی، عباس، کازرونی، سید مصطفی، (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی نظام حقوقی بینالمللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴
- ۳- توکلی طبسی، علی؛ منصور، فرنگیس؛ رضایی، محمد تقی و حبیب زاده، (۱۳۹۲) توکل؛ مسئولیت بین المللی دولت های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، پاییز-زمستان ۱۳۹۲.
- ۴- حکیمی ها، سعید، (۱۳۹۵) تعهد دولتها به «ارزیابی حدود در» پیشگیری و همکاری مبارزه با جرایم بین المللی با تأکید بر معاهده تجارت تسلیحات، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵: ۱۰۰۳-۱۰۲۶.
- ۵- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۲)، سلاحهای کشتار جمعی و مبنای فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۲، صص ۵۳-۸۷.
- ۶- فاضل لنگرانی، محمد جواد (۱۳۹۲)، تولید و استفاده از سلاح کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۲.
- ۷- فن تیگر اشتروم، باربارا (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین الملل، ترجمه ی اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجد.
- ۸- ساعد، نادر (۱۳۸۳)، فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین الملل منشور؛ از نظر تا عمل، حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۵ صص ۵۹-۸۶.
- ۹- سلیمی، صادق (۱۳۸۲) «جنایات سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالرمو و آثار آن» نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹.
- ۱۰- راعی، مسعود، (۱۳۸۸)، کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین المللی دولت ها؟ حقوق، حقوق، دوره ۳۹ شماره ۳.
- ۱۱- رئیسی، لیلا، شهریاری، عبدالنعیم (۱۳۹۲)، شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بشردوستانه: جایگاه و مسئولیت، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره شانزدهم- پاییز ۱۳۹۲ صص ۸۳-۱۱۶
- ۱۲- عسگری، پوریا، (۱۳۸۸)، مسئولیت بین المللی افراد و دولت ها در پرتو ضابطه کنترل، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری..

۱۳- لسانی، سید حسام الدین، (۱۳۹۵) تعهد دولتها مبنی بر بازبینی حقوقی تسلیحات جدید در حقوق بین الملل فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵: ۹۱-۱۱۳.

۱۴- ممتاز، جمشید، و رنجبریان، امیر حسین، (۱۳۸۴)، حقوق بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه داخلی، نشر میزان.

منابع انگلیسی

- 1- Crawford , James (2003) ," Human Right and State Responsibility" , University of Connecticut
- 2- C. Tomuschat, "International Crimes by States: An Endangered Species", in K. Wellens (ed), International Law, Theory and Practice, 1998.
- 3- De Hoogh, André (1996). Obligations Erga Omnes and International Crimes: A Theoretical Inquiry into the Implementation and Enforcement of the International Responsibility of States, Martinus Nijhoff Publishers.
- 4- Hiscocks, Richard, "The Security Council: A Study in Adolescence", Simon and Schuster, 1974.
- 5- Pierre, Andrew J. , " Cascade of Arms: Managing Conventional Weapons Proliferation", Brookings Institution Press, 1997, p328.
- 6- Post, H. H. G., "International Economic Law and Armed Conflict", Martinus Nijhoff Publishers, 1994, p71.
- 7- Rogers, Damien (2013). Post internationalism and Small Arms Control: Theory, Politics, Security, Ashgate Publishing, Ltd.
- 8- Maslen, Stuart et al. (2013). The Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
- 9- Schmitt MN (2010) Military necessity and humanity in international humanitarian law: preserving the delicate balance. Va J Int Law 50(4):795-839.
- 10- Nasu H, Faunce TA (2010) Nanotechnology and the international law of weaponry: towards International regulation of nano-weapons. J Law Inf Sci 20:21-54.
- 11- N. Trapp, Kimberley (2011). State Responsibility for International Terrorism, Oxford.
- 12- Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro, Judgment 2007, Application of the Convention on the Prevention and punishment of the Crime of Genocide, <http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/ibhyframe.htm>
- 13- Cassese , Antonio (2007) ," The Nicaragua and Tadic Test Revisited In Light of The ICJ Judgment on Genocide In Bosnia" , European Journal of International Law , Vol . 18 .No4, pp 649-668